



لانسکی - ایتان راوکو - ۲۰۲۱

میر لانسکی (هاروی کایتل):

وقتی پولت رو از دست می‌دی، هیچی از دست ندادی.

وقتی سلامتیت رو از دست می‌دی، به چیزی رو از دست دادی.

وقتی شخصیتت رو از دست می‌دی، همه چی رو از دست دادی.

نشانه‌خوانی

غیریت و دیگری



پویا نعمت‌اللهی

روزنامه‌نگار

رئیس جمهوری در سفر استانی اخیر خود گفته دولت در حد توان خود به دنبال رفع مشکلات است و کاری به حرف دیگران ندارد و فقط به دنبال آن هستیم که مردم احساس رفاه، آرامش و آسایش کنند. برای ما مهم رضایت خداوند متعال است.

این عبارت را چگونه می‌توان بهتر درک کرد؟ به عبارت دیگر منظور آقای رئیس‌جمهوری از «دیگران» چیست یا کیست؟ می‌توان این عبارت را با استفاده از مفهوم غیریت تفسیر کرد. به طور کلی گفتمان‌ها صورت‌بندی مجموعه‌ای از متن‌ها، سخنان، کردارها و نظایر آن هستند که درباره یک دال مرکزی جانمایی شده‌اند. هرکدام از اجزای موجود نیز عملاً هویت خود را در برابر مجموعه‌ای از غیریت‌ها به دست آورده و خویش را از دیگری متمایز می‌کنند. خلق هویت‌ها بر تفاوت‌ها مبتنی است.

سخنان رئیس‌جمهوری به دو گروه «مردم» و «دیگری» ارجاع دارد. سؤال این است که تمایز «دیگری» و «مردم» در سخنان رئیس‌جمهوری ناظر بر چیست؟

تاکنون روال بر این بوده که در همان روز اعلام نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری، شخص برآمد از شمارش آرا، بلافاصله خود را نماینده تمام مردم کشور معرفی می‌کنند. هر شهروند نیز فارغ از آن رای که در صندوق انداخته، باید این شخص را به‌عنوان رئیس‌جمهوری خود بپذیرد.

رئیس‌جمهوری باید تمام سیاست‌ها و برنامه‌های خود را به گونه‌ای تدوین و اجرا کند که حداکثر منافع ملی حاصل شود. هیچ رئیس‌جمهوری هرگز بر این عقیده نیست که بخواهد فقط منافع هواداران خود را تأمین کرده و منافع دیگران را مغفول بدارد. اساساً واجد چنین قدرتی هم نیست.

رئیس‌جمهوری فعلی هم از این قاعده مستثنا نمی‌ماند. او نماینده تمام ایرانی‌هاست؛ بنابراین‌هرگونه فاصله‌گذاری بین «مردم» و «دیگری» می‌تواند به‌مثابه همان دوقطبی‌سازی باشد که مقام معظم رهبری بارها نسبت به آن انجام آن انداز و هشدار داده‌اند.

اما در شرایط کنونی و وضعیت دشوار معیشت عمومی، به نظر می‌رسد عاملان اجرایی در سطح کلان دولت دائماً «غیر» می‌تراشند و آن غیریت را مسئول اصلی هرگونه کاستی و نارسایی و ناکامی خود می‌دانند.

هر هویتی از سوی چیزی تأیید می‌شود که نسبت به آن بیرونی است؛ بنابراین تمایزگذاری «دیگری» و «مردم» عملاً مرزهای سیاسی یا حدود صورت‌بندی اجتماعی را فاش می‌کند. این‌ مرزبندی‌ها ناطقی را نشان می‌دهند که در آنها هویت گفتمانی عاملان نمی‌تواند درون نظامی معنادار از تفاوت‌ها تثبیت شود؛ اما از طرف نیروهایی که در محدوده آن نظم هستند، تهدید می‌شود. عامل تهدید نیز «دیگری» است که موجودیتی غیریت‌گونه دارد.

این موضوع از آنجا مهم است که هر جمله در سخنان بالاترین مقام اجرایی کشور می‌تواند مرجع تفسیر و تأویل قرار داشته باشد. اکنون سؤال بعدی این است که منظور از این «دیگران» که در سخنان فوق آمده است، اشاره به چیست؟ آیا دیگری به‌مثابه خصم است که با او باید از در جنگ و غزا درآمد و نهایتاً سرش را به سنگ کوبید (نظیر آنکه یکی از مقامات وزارت کشور چندی قبل گفته بود باید همه مدیران متمایل به دولت قبل را از دستگاه بوروکراتیک دولت بیرون راند).

بعید است چنین وضعیتی مطمح نظر رئیس‌جمهوری محترم باشد؛ اما با توجه به فحوائ متن شاید بتوان تفسیر مضیق به این صورت داشت که منظور رئیس‌جمهوری ناظر بر حرف این «دیگری» از مکالمات درونی و اعتناداشتن، به اوست تا به مرور زمان از پاسخ‌دهی به او معذور و معزول شد. اکنون منطق حاکم بر سخنان رئیس‌جمهوری به این شیوه درآمده که «دیگری» حق ندارد در روند تولید گفتمان رسمی تشکیک کند. مسئله روشن است. آنها «دیگری» هستند. دیگری واجد حق پریش نیست و به او بی‌اعتنایی کامل خواهد شد. حضور «دیگری» یا «غیر» مانع از آن می‌شود که من کاملاً «خودم» باشم. رابطه محصول کلیت‌های تمام و کمال نیست؛ بلکه حاصل عدم امکان حضور و قوام کامل آنهاست.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹

تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴

چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۲

۱۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۴

۸ جولای ۲۰۲۳

سال بیستم

شماره ۴۵۹۵

۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۹

اذان صبح فردا ۳:۱۱

طلوع آفتاب ۴:۵۶

تبدیل مدرسه به بنگاه اقتصاد

و رایگان بودن آموزش یورش برده شود.

این در حالی است که این کار در دولتی انجام می‌شود که خود را دولت مظلومان، مستضعفان و محرومان می‌داند و بسیاری از کسانی که امروز در بدنه دولت هستند، این‌گونه کارها در دولت‌های پیشین و منتقدان خود را با برچسب «سیاست‌های لیبرالی و نئولیبرالیستی» می‌نواختند و به هدف‌های سیاسی خود دست می‌یافتند و این در حالی است که مولدسازی که یکی از شکل‌های خصوصی‌سازی است، با چراغ روشن و خاموش در آموزش‌وپرورش، به‌عنوان عمومی‌ترین نهاد اجتماعی، آغاز و به‌سرعت پیش می‌رود؛ حتی پیش از بسیاری از نهادها و بنگاه‌های اقتصادی کشور و…

گمانی ندارم که این خبر در لیبرال‌ترین کشورهای جهان می‌توانست و می‌تواند واکنش‌های اجتماعی، رسانه‌ای و حتی آکادمیک را در پی داشته باشد؛ اما در کشوری که سیاست آمیخته با ایدئولوژی نخستین اولویت مدیران اجرایی، اقتصاد نخستین دل‌نگرانی شهروندان و بقا نخستین اولویت رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و… است، آموزش به‌عنوان عمومی‌ترین کالای ضروری چندان مرکز توجه جامعه نیست و چنین خبر وحشتناک و پراسیپی مورد توجه کسی قرار نمی‌گیرد.

نکته واپسین اینکه تجربه نشان داده در بسیاری از موضوعات اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی، دولت‌ها که محل تمرکز قدرت، ثروت و زور هستند، کام به کام پیش آمده و جای پای خود را محکم‌تر کرده‌اند. امروز و پس از بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب، اصل ۳۰ قانون اساسی بیش از هر زمان دیگری مورد هجوم و حمله دولت‌های بی‌درپی بوده و هست؛ اصلی پیشرو که امروز در پیشروترین کشورهای جهان در آموزش، از آن میان ژاپن و فنلاند، به‌طور مطلق اجرایی شده است. از سوی دیگر، در رویکردهای نوین به ساختارهای اجرایی، از مهم‌ترین وظیفه‌های دولت‌ها، فراهم‌کردن زمینه آموزش کیفی و رایگان برای فرزندان همه شهروندان است. از این‌رو هیچ معنایی ندارد که ما شهروندان از حق انسانی و شهروندی خود و فرزندان‌مان بگذریم و اجازه دهیم تا به بهانه نادرست کمبود بودجه، مدرسه‌ها را بفروشند، اجاره یا تغییر کاربری دهند. چرا دولت و دولت‌ها باید از وظیفه ذاتی و قانونی خود شانه خالی کنند و وظیفه تأمین بودجه مدرسه را به خود مدرسه واگذار کنند؟

در کشوری که کم‌وبیش همه مدرسه‌ها از فضای ورزشی استاندارد، کتابخانه، ناهارخوری، سالن ورزشی، سالن کنفرانس، حجم کلاس‌های استاندارد و بسیاری دیگر از امکانات مدرن آموزشی محرومند، واگذاری پنج درصد مدرسه‌ها برای کسب درآمد و خودکفایی اقتصادی! مدرسه چه معنایی دارد؟

در کجای جهان، مدرسه، بنگاه اقتصادی و مدیران آن، به جای هدایت آموزشی، دست در جیب خانواده‌هاست؟!

ما را به‌عنوان خانواده‌ها، معلمان، کارشناسان، شهروندان، رسانه‌ها، خیرین و دلسوزان ساختار آموزشی چه شده است که در برابر چنین رفتاری سکوت کرده و می‌کنیم؟ وامصیبتا!



● تأمین آب برای مایحتاج زندگی و نبود آب کافی برای دام‌ها و تأمین امکانات تحصیلی برای فرزندان از جمله مشکلات روبه‌روی عشایر کرمانج است که از گذشته‌های دور در مناطق شمالی خراسان بزرگ مشغول دامپروری بوده‌اند.
عکس:وحیدخادمی/ايرنا

دغدغه‌های طبیعیانه

بگذارید خانه‌ای برای اندیشمندان باقی بماند



عبدالرضا ناصرمقدسی

متخصص مغز و اعصاب

دوباره وقتی سرخط خبرها را نگاه کردم، مثل همیشه با خبر بد دیگری روبه‌رو شدم؛ اینکه شهرداری می‌خواهد بدون هیچ اخطار قبلی، خانه اندیشمندان علوم انسانی را تخلیه کند و فقط همان شب به مدیران مجموعه گفته شده که «من این ساختمان را می‌خواهم». به همین سادگی و راحتی، من بارها در سخنرانی‌ها و همایش‌های خانه اندیشمندان شرکت کرده‌ام و چند باری هم افتخار سخنرانی در آن مکان را داشته‌ام. فکر می‌کنم تمام کسانی که با اندیشه سروکار دارند، چنین خاطرات مشترکی داشته باشند. محیطی آرام و دنج که برای گفت‌وگو و تأمل ساخته شده، حالا به همین راحتی آماج تفکری قرار می‌گیرد که اندیشه برایش مهم نیست و بستن یک خانه فرهنگی با بستن یک مخروبه هیچ فرقی برایش ندارد. البته به گمانم این آفتی است که تمام فرهنگ ما را دربر گرفته است. وقتی آمار کتاب‌خوانی ما تا این اندازه کم و ناچیز است، وقتی تیراژ کتاب‌ها در بهترین حالت در کشور ۹۰میلیونی هزار عدد است، انتظار بیشتری هم نباید داشت. در چنین فرهنگی خانه اندیشمندان و سایر اماکن مشابه صرفاً ضررزا خواهند بود و باید درشان تخته شود. از طرف دیگر، فکر می‌کنم چنین آمار و چنین اتفاقاتی می‌تواند نوعی تلنگر هم محسوب شود و به ما خاطر‌نشان کند که به کجا داریم می‌رویم. برای بهبود شرایط، دست روی دست بگذاریم. فقط اعتراض کافی نیست، باید به آسیب‌شناسی اتفاقاتی که می‌افتد پرداخت. شاید هیچ اراده‌ای برای ارتقای فرهنگی در نهادهای دولتی وجود نداشته باشد، اما اینها همه حاکی از مشکلات بسیار بنیادی‌تری است که فرهنگ ما را در میان گرفته و باید برای برون‌رفت از آن چاره‌اندیشی کرد. یک راه مهم، حفظ همین انجمن‌ها و گروه‌های کوچک است. برای همین است که اعتراض همگانی اندیشمندان و کسانی که اندیشیدن برایشان مهم است، تا به این اندازه اهمیت پیدا می‌کند. پس همه با هم و هم‌کلام با مسعود جعفری جوزانی از همه نهادهای ذی‌ربط مطالبه می‌کنیم تا خانه اندیشمندان برای اندیشمندان باقی بماند.



تویتر ۴۴ میلیاردی برطرف‌دار می‌ماند؟

متا شرکت مادر اینستاگرام که زیر نظر مارک زاکربرگ (مالک فیس‌بوک) است، سعی کرده ارتباط عمیقی بین تردز و اینستاگرام برقرار کند. به طوری که اگر تردز را دانلود کنید و بعد آن را حذف کنید، اینستاگرامتان نیز حذف می‌شود.

اما یک مشکل بزرگ وجود دارد و آن اینکه کاربرا هیچ کنترلی روی این شبکه ندارند و باید هر آنچه را در اینستاگرام دنبال می‌کردند اینجا هم دنبال کنند. در واقع مصیبت حضور بلاگرهای زیبایی و غذا از اولین نکات منفی این شبکه است. همچنین در این شبکه هیچ دایرکت یا مکالمه دونفره یا چندنفره‌ای ممکن نیست

و همه چیز به‌صورت عمومی قابل‌مشاهده خواهد بود.

برخی پیش‌بینی می‌کنند که این نقصان‌ها سبب خواهد شد تا مدت‌ها تویتر شبکه اجتماعی محبوب بسیاری از خبرنگارها، برنامه‌نویس‌ها و… باقی بماند. البته تغییرات مدام تویتر را نباید دست‌کم گرفت مثلاً داش‌سبوردر کاربری توییت‌دک در تویتر تا ۳۰ روز دیگر پولی خواهد شد. در واقع «ماسک» تلاش‌های متعددی انجام می‌دهد تا کاربران را وادار کند در توییت‌بلو، سرویس اشتراک تویتر، ثبت‌نام کند؛ سرویسی که مقامات رسمی کشورهای ایران و… از ثبت‌نام‌کنندگان آن هستند.

البته باید منتظر ماند و دید که سرنوشت شکایت «ماسک» از «زاکربرگ» چه خواهد بود. «ایلان ماسک» مالک کنونی «تویتر» آن‌قدر در این شبکه که ۴۴ میلیارد دلار برای خرید آن خرج کرده تغییر ایجاد کرده که بسیاری دنبال جایگزین مناسبی برای آن هستند. تاکنون بلواسکای و حالا تردز سعی کرده‌اند رقیبی برای تویتر باشند.

بود که «مارک زاکربرگ» و «ایلان ماسک» دو غول دنیای مجازی با یکدیگر در قفسی مبارزه کنند و هرچند مادر «ایلان» این مبارزه را لغو کرد. اما به نظر می‌رسد این‌بار مبارزه خارج تعجب‌آور نیست که تعداد دنبال‌کننده‌های مثلاً فلان سخنران در تردز خیلی خیلی کمتر از تعداد کاربرانش در اینستاگرام است. هرچند برخی خواستند در این موضوع خوش‌بین باشند و مدعی شدند هنوز بسیاری به تردز نپیوستند. هرچند یک مقایسه سرانگشتی نشان می‌دهد میزان اختلاف خیلی بیشتر از اینهاست.

دعوا بیرون قفس

«تردز» رقیب جدید «تویتر» است و در حال حاضر شکایت تویتر از این شبکه اجتماعی آغاز شده است. پیش از این قرار است تا چند ساعت بعد از آغاز فعالیت «تردز»، «الکس اسپرو» وکیل ایلان ماسک نامه‌ای خطاب به زاکربرگ ارسال کرد و شرکت متا، سازنده اپلیکیشن «تردز» را به سوءاستفاده سیستماتیک، عمدی و غیرقانونی از اسرار تجاری تویتر متهم کرد. وکیل ماسک در این نامه نوشته که متا در یک سال اخیر تعداد بالایی از پرسنل تویتر را با علم به اینکه این افراد هنوز به اسرار تجاری تویتر و اطلاعات بسیار سری دسترسی داشته‌اند، استخدام کرده است.

در ادامه نامه توضیح داده شده که متا با علم به این موضوع پرسنل سابق توییتتر را مأمور کرده تا یک کپی (Copycat) از توییت بسازند و متا به این شکل از دارایی اصلی (IP) تویتر سوءاستفاده کرده است.

این نامه به‌گونه‌ای متا را از هر نوع داده‌کاوی در پلتفرم تویتر منع کرد.

